

یاری رساندن به امام، مُجدانه و خستگی ناپذیر

آنچه که از قیام امام حسین(ع) می‌توان دریافت، جایگاه و نقش اساسی یاران در به ثمر نشاندن اهداف امام معصوم است. این جایگاه به قدری بااهمیت است که در صورت حذف آن، حرکت و تلاش امامان معصوم نیز بی‌نتیجه خواهد ماند. پس بر تمامی یاران و شیعیان حضرت مهدی(عج) واجب است که برای زمینه‌سازی ظهور و تحقق اهداف ایشان تلاش نمایند و در این مسیر از قَلت نفرات، هراسی نداشته باشند. چونان مسلم بن عقیل، سفیر غریب امام حسین(ع) که از جان خود گذشت تا پیام حسین(ع) را به مردم برساند.

بایستی حرکت کرد و از لحظه‌لحظه‌ها، مدد جست تا بتوان سخن تاریخی تمامی انبیا و اوصیا را به بشریت رساند. در این میان، معلمان، مبلّغان و نویسندگان، محققان حوزه و دانشگاه و بالاخره صدا و سیما، در ایفای این نقش، سهم عظیمی دارند.

قرآن، در آیات مختلفی، از تلاش و کوشش و دلسوزی‌های مؤمنین در راه کمک‌رسانی به تحقق اهداف الهی، سخن به میان آورده است که در ادامه، به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

1) در سوره یس، آن‌گاه که از پیامبران متعددی یاد می‌شود که به سوی قومی فرستاده شدند و سرانجام، همگی به شهادت رسیدند، به مرد گم‌نامی اشاره می‌شود که به کمک پیامبران شتافت و مردم را به اطاعت آنان فراخواند:

«وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ؛ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَ

هُمْ مُهْتَدُونَ؛ و از دورترین نقطه شهر، مردی شتابان آمد و گفت: ای قوم من! از این فرستادگان

[خدا] پیروی کنید، از کسانی پیروی کنید که پاداشی از شما نمی‌خواهند و آنان راه یافته‌اند».

2) هنگامی که فرعون و درباریان، تصمیم به قتل موسی(ع) گرفتند، مرد گم‌نامی از دورترین نقاط شهر به یاری موسی برخاست و او را از جریان توطئه‌ای که علیه او شکل گرفته بود، آگاه کرد: «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ

النَّاصِحِينَ؛^۲ مردی از دورترین [نقطه] شهر شتابان آمد [و] گفت: ای موسی! اشراف و سران [فرعون] درباره تو مشورت می کنند که تو را بکشند؛ بنابراین [از این شهر] بیرون برو که یقیناً من از خیرخواهان توام».

۳) از دیگر مصادیق انجام وظیفه و ارشاد دیگران، سخن حضرت یوسف (ع) در سخت ترین شرایط زندان است که حتی در آن جا نیز، وظیفه خود را فراموش نمی کرد و کسانی که همراه او در بند بودند را موعظه و نصیحت می نمود:

«يَا صَاحِبِ السِّجْنِ أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ؟^۳ ای همراهیان زندانی، آیا خدایان پراکنده و متعدد برترند یا خدای واحد قهار؟».

البته باید در نظر داشت که انجام کار فرهنگی، دارای سه شرط مهم است:

الف) علم و آگاهی؛

که مبدا در اثر ناآگاهی باعث گمراهی دیگران شویم. چنان چه قرآن می فرماید:

«لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ»؛ در روز قیامت، تمامی بار گناهان خود و بخشی از بار گناه کسانی که از روی بی دانشی، آن ها را گمراه می کنند، به دوش می کشند. آگاه باشید که بد باری را به دوش می کشند».

ب) خیرخواهی و دلسوزی؛

چنان چه امام صادق (ع) در فضائل و خصائص پیامبر گرامی (ص) می فرماید:

«نَصَحَ لِأُمَّتِهِ»؛ او خیرخواه و دلسوز امت بود».

ج) تقید عملی به احکام اسلام

چراکه هدف، وسیله را توجیه نمی کند. بنابراین نمی توان با گناه، مروج معنویت بود و با دیدگاه شهوت مدارانه افرادی نظیر فروید و... به هدف اعتقادی و اسلامی دست یازید.

2. سورة قصص، آیه 20.

3. يوسف، آیه 39.

4. نحل، آیه 25.

5. بحار الأنوار، ج 16، ص 369.